



قناعت و مناعت

بررسی خودباوری و خودسناری در ادب پارسی

جعفر سید



انتشارات آشنایی

سرشناسه: سید، جعفر - ۱۳۳۶ -

عنوان: قناعت و مناعت

(بررسی خودبازی و خودسازی در ادب پارسی)

نام پدیدآور: جعفر سید.

مشخصات نشر: تهران: آشنایی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۹۴ ص.

شابک: 978 600 6960 78 4

وضعیت فهرست‌نویسی: فبا

یادداشت: ص. ع. انگلیسی: Jafar. Seyed. Contentment & Magnanimity:

A survey In Self-believing & Self-fulfilling In Persian literature.

یادداشت: کتاب‌نامه: ص. [۶۷۱] - ۶۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه

عنوان دیگر: بررسی خودباوری و خودسازی در ادب پارسی.

موضوع: ۶۰۰ مناعت - ادبیات. Contentment In literature.

موضوع: ۶۰۰ من - در ادبیات. Magnanimity In literature.

موضوع: شعر فارسی - مجموعه‌ها. Persian Poetry - Collections

موضوع: نثر فارسی - مجموعه‌ها. Persian prose literature -- Collections

رده‌بندی کنگره: ۹۰۱/۳۹۶، ۹۰۱/۴۰۹ / PIR

رده‌بندی دیویی: ۵۵/۱۰۱

شماره‌ی کتاب‌شناسی می: ۴۳ - ۱۰۱۰



انتشارات آشنایی

● نام کتاب: قناعت و مناعت

● عنوان فرعی: (بررسی خودباوری و خودسازی در ادب پارسی)

● پدیدآور: جعفر سید

● ناشر: انتشارات آشنایی

○ طرح جلد: الهام محمدپور

○ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

○ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

○ قیمت: ۴۷۵۰۰ تومان

○ شابک: ۴ - ۷۸ - ۶۹۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۳۹۹ - ۱۵۸۱۵ - انتشارات آشنایی

شعبه سمنان - خیابان شهید مطهری، خیابان صاحب الامر (عج)، پلاک ۳۱

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱ - ۳۳۱۶۸۸۱۹ / ۰۲۱ - ۳۷۰۹۲۸۴ / ۰۹۱۲

Email : ashnaei_pub @ yahoo.com

زیبایی زندگی، قناعت است.^۱

بخش گفتار

اگر بخواهیم در شعر و ادب پارسی به مفاهیمی همچون قناعت و مناعت، صرفه جویی و پرهیز از اسراف و یا کم اعتنایی به مال و منال و جیفه‌ی دنیا و در مفهوم برتر اجتماعی خودباوری، خودسازی و استقامت، همچنین تلاش و مداومت در صبر و از این نوع مضامین نظری بیفکنیم و مصنفی بیابیم، به قدری در این چشم‌انداز و وسعت نگاه، تنوع وجود دارد که بی‌شک خود را در اقیانوسی کران تا کران ناپیدا خواهیم یافت.

سراسر ادبیات تعلیمی و عرفان ما پر است از مضامین ناب و روحبخش استقامت و پرهیز از حرص و طمع که حقیقت زندگی را معنا می‌کند. شرط مقاومت و رسیدن به استقامت، برخورداری از روح قناعت و طبع مناعت در آحاد مردم اعم از فقیر و غنی است؛ هر کدام به نوعی. یکی در صبر و دیگری با پرهیز.

هر سخنی که در یکی از قالب‌های ادبی و حتی هری در دفاع از مظلومیت بشر در هر نقطه‌ای از دنیا ایراد و ابراز شود، در حیطه‌ی ادبیات استقامت است.

شکل‌های دیگر هنری مثل عکس، فیلم و ... هم از این نحله‌ی ادبیات برخوردارند. وقتی گفته می‌شود: این عکس‌ها رُک‌گو هستند، یعنی معانی و بیان آشکار دارند و با صد زبان می‌توانند ادبیات قناعت و استقامت را بیان کنند؛ همچنان که متن فیلم سینمایی می‌تواند این وظیفه‌ی مهم را برای اجرای فاخر به عهده بگیرد.

اگر تصدم این بود که برای هر شاهد و مصداقی که در کتاب او، نام، شرحی ولو اجمالی بنویسم دو صد عمر صد ساله لازم بود و هزاران دفتر؛ اما خوانندگان را از معانی لغات دور از ذهن و برخی تلمیحات و اشارات و نکته‌های مهم ادبی بی‌نصیب نگذاشته‌ام.

در این سال از باغ ادب هر صاحب اندیشه‌ای، میوه و خوشه‌ای چیده و سهمی کنار گذاشته‌ام. امیدوارم به تعبیر سعدی دامن از کف نرفته باشد و همچنان که امروز از پیشینیان یاد می‌کنیم، بتواند برای آیندگان کتابی زنده و تازه مانده و دوستداران عرصه‌ی شعر و ادب و اصحاب هنر را شادمان و مشغوف سازد.

مردم سرزمین ما به دلیل برخورداری از آفتاب گرم و سوزان و سخت‌کوشی در زمین پُر انرژی اغلب خشک و کم‌آب، انسان‌هایی مقاوم و قانع تربیت شده‌اند. در متون سبک خراسانی، ادبیات ما از خردگرایی و توجه به دانش بهره برده است و می‌برد. در سبک عراقی با گسترش معانی دینی و عرفانی در شعر و نثر پارسی، مضمون تهذیب نفس و استقامت و مقاومت فراگیر است. یکی سبب نیست که چهره‌های شاخص و کم نظیر عرفان در این دوره درخشیده‌اند و پس از آن هزاران چهره‌ی خلاق گمنام از زن و مرد در حرفه‌ها و هنر و صنعت، در سایه‌ی تعالیم اخلاقی، پدید آمده‌اند و حاصل تربیت یافتگان دامن ادب و شرایط اقلیمی ایران است.

همچنان که عنصری^۱ می گوید:

در عشق تو کس پای ندارد جز من
بر شوره کسی تخم نکارد جز من
با دشمن و با دوست بدت می گویم
تا هیچ کست دوست ندارد جز من^۲

۱- ته مقصود عنصری از ریختن تخم در زمین شوره زار که جان حاصلی ندارد، تمثیلی است از ناامیدی در رسیدن به معشوق. به این معنا که معشوق، بسیار زیبا و دست نیافتنی است و دلالت بر سخت بودن طی مسیر دارد. اما او به حکم و وظیفه‌ی عشق، باز هم قدم می دارد. به مصداق:

دل‌م خوش است به نام کبوتر حرم است.

در مثال کاشتن تخم در شوره زار، اگرچه تخیل شاعر، اما برگرفته از زندگی مردم پرتلاش ساز زمین ماست. آنچنان که دیده‌ایم گاه در زمین‌های کوچک و بزرگ و پرفراز و نشیب و حتی در سنگلاخ‌های ناهموار و تپه‌ها و برتپه‌ها و حایلی که به سختی آب به آن می‌رسد، کشت نموده‌اند. بر خلاف کشاورزی شمیایی مدرن زمان ما با محصولات و میوه‌های درشت و باغ‌های براق و به اصطلاح مجلسی! ...

بسیاری از آدم‌های امروزی هم به دلیل دور ماندن از آب و عالت، مثل میوه‌های فراوری شده، خوش‌رنگ اما بی‌مزه‌اند. اینگونه است که آمار طلاق بالا می‌رود! وقتی میوه‌ای با روش مصنوعی رنگ می‌گیرد،

۱- ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی (۴۳۱-۳۵۰)

۲- دیوان عنصری بلخی، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات سنایی،

صداقت رنگ می‌بازد و شما شلیل را درشت‌تر از پرتغال و پرتغال را درشت‌تر از طالبی می‌بینید و هیچ کدام طعم سابق ندارند. زندگی آن نیست که هر روز یک میوه‌ای را بجشیم و تجربه کنیم.

بحث اصلی بر مقاومت و استقامت ادبی است و نه کشاورزی اما حیف است اگر کوتاه نگوییم که اکنون کشاورزان ما بهترین گندم را کشت می‌کنند و می‌فروشند و تحویل انبارهای بزرگ می‌شود اما خود بدترین نان تهیه شده از آرد سفید نامرغوب را می‌خرند. نه آن آسیاب وجود دارد و نه آن تنور و نه آن همت پخت هنرمندانه‌ی نان توسط زنان روستاییان در خانه! کجاست آن اصالت خمیر بدون جوش شیرین و نمک سابق... ولی فلان پیتزا و خوراک خارجی با نام غریب و سوء هاضمی معلوم و سفره آرای‌های پر نقش و عجیب را بیشتر مردم پذیرفته‌اند و رانده‌ایم به بیماری‌های زود هنگام و بی‌سابقه‌ی مختلف حتی در جوانان!

آنچه در آثار ادبی گذشته تا به حال در باره‌ی موضوع مورد نظر این مجموعه اعم از شعر و نثر به آن پرداخته شده است، بیشتر به جنبه‌ی فردی و تربیت شخصی، تأکید دارد؛ به تصریح در اشعار و اقوال عرفانی، توجه به تهذیب نفس پر رنگ‌تر است. حال آنکه آثار و عوارض سوء حرص و طمع و عدم رعایت حقوق دیگران و اجتماع برمی‌گردد. هرچند اگر افراد از آلودگی و آفات مصون بمانند، بر سلامت جامعه هم می‌افزایند. اما اگر خطاب سخن از جنبه‌ی شخصی فراتر رود، ارزشی والاتر می‌یابد. همچنان که چاره اندیشی بهداشت روان و اخلاق جامعه، اهمیتش بیشتر از آن است که خود را در منزل حبس کنیم و به عنوان مثال هشدار به پاک‌سازی آب لوله کشی مهم‌تر از آن است که بخواهیم از دستگاه تصفیه‌ی آب شخصی استفاده نماییم.

توضیح دیگر اینکه ممکن است برخی به اشتباه تصور کنند منظور از بیان و پیام اشعار و آثار فراهم شده، در مضامین یاد شده این است که از کار و تلاش و سازندگی دست بکشیم و گوشه‌ای اختیار کنیم و تنها ذکر بگوییم. چنین برداشتی از حقیقت بسیار دور از عرفان و نادرست است.

برخی از سرخوردگان جامعه و حتی جوانان بر اثر تبلیغ نادرست و با بی آوردن به بعضی کلاس‌ها و تمرین‌های دروغین به اصطلاح عرفانی در خود فرو می‌روند و دچار خواب و فراموشی از اجتماع می‌شوند! این خود بازی نیست و یا بعضی از نوجوانان و جوانان بر خلاف تناسب انضام سنی و ظرف وجودشان، و بی‌درک مضمون موسیقی هرچند خوب و عمیق سنتی، در همان نوجوانی و جوانی پژمرده و از جامعه بریده و حتی بعضی دچار اختلال روان می‌شوند. ذات ادبیات، هنر و عرفان با فعالیت اجتماعی، روح عمومی و نشاط و وجدان جامعه، تفکیک شده نیست! و نباید مفهوم قناعت را بر معنای کناره‌نشینی و سکوت حمل نمود.

البته همین که در ادبیات به حریم مال و منال و اندوختن ثروت حمله شده است و از فقر، معنا، مناعت، قناعت، استقامت و مقاومت دفاع می‌شود، به نوعی مصلح‌گری اجتماعی است. به این معنا که با زبان غیرمستقیم به برنامه نریسان و مجریان جامعه اعلام می‌شود که موضع بزرگان ادبیات و عرفان این است و اعتراضی است با زبان فرهنگ و ادیبانه و بی آرایش سیاسی که چرا گروهی در رنج به سر می‌برند؟ و بعضی در فضای غارت اموال و طمع سیر می‌کنند. و این پیام را در خود دارد که حرکت جامعه باید به سوی عدالت و اعتدال باشد.

وقتی دیوان شاعری را برای مطالعه در دست داریم، با زبان و فضای تاریخی زمان او همراه می‌شویم و با کلامش انس می‌گیریم؛ گو اینکه با غم و شادی او همنوایی و زندگی می‌کنیم؛ اما هنگامی که در یک مجموعه با موضوعی از چندین شاعر مواجه می‌شویم، یه‌بنّا نمی‌توانیم پای‌بند فضای یک زمین و یک زمان باشیم. پس برای تنوع و دورماندن خوانندگان عزیز از ملال و خستگی ناشی از مطالعه‌ی آثار یک شخصیت ادبی، یا یک لحن و سبک، در سیر مطالب این مجموعه به عمد از ترتیب تاریخی پدید آمدن اثر و یا قرار گرفتن الفبایی نام پدیدآوران، پرهیز شده است و نیز نظم و نثر در دو بخش تفکیک نشده و آثار هراذیب با هرقالب، در این مجموعه پخش و ارایه شده است. به عنوان مثال اشعار مولوی را در چندین جا خواهید یافت. بدیهی است فهرست اعلام برای یافتن نام و صفحه‌ی آغاز آثار هر پدیدآور، راهنمای خوبی است.

اینک با خوانندگان ارجمند گفتمانی خواهیم داشت بر پهن‌دشت ادب پارسی و از عطر گل‌های قناعت و مناعت، که زمینه‌ساز خودباوری و خودسازی است، مشام جان را تازه خواهیم ساخت. تا تذکر و توجهی باشد بر فرهنگ ناباوری، طمع و زاده‌خواهی و مصرف‌گرایی، هم از جنبه‌ی فردی و هم از منظر اجتماعی. ان‌شاءالله

جعفر سید - زمستان ۱۳۹۵